



وظایف و نقش زنان ویتنامی در

مرحله نوین انقلابی

## له دوان

سخنرانی در چهارمین کنگره زنان ویتنام

(از چهارم تا هفتم مارس ۱۹۷۴)

ترجمه: ش. پویا

دیجیتال کننده: نینا پویان

**وظایف و نقش زنان ویتنامی  
در  
مرحله نوین انقلابی**

له دو ان

سخنرانی در چهارمین کنگره زنان ویتنام  
(از چهارم تا هفتم مارس ۱۹۷۴)

- وظایف و نقش زنان ویتنامی در مرحله نوین انقلابی
- له‌دوان
- ش. پویا
- چاپ اول
- تابستان ۱۳۵۹

## زن ویتنامی، تجلی یکی از زیباترین جلوه‌های مردم ویتنام

خلق ما اکنون ماه‌ها و سال‌های فوق‌العاده بحرانی و درعین حال باشکوهی را تجربه کرده است که در تاریخ ملت ما، در یادها زنده خواهد ماند. تقریباً بیست سال پس از پیروزی بزرگ جنبش مقاومت در برابر استعمارگران فرانسوی، مردم ما در مبارزه مرگ و زندگی بر علیه امپریالیسم آمریکا، سر کرده امپریالیستها و دشمن شماره یک نوع بشر، درگیر شده‌اند. در این رویارویی تمام مردم ویتنام، در شمال و در جنوب، از خط مقدم جبهه گرفته تا انتهای آن، صرف نظر از سن و جنس، آماده برای پذیرش تمام سختی‌ها و فداکاری‌ها، چون یک تن واحد پیا خاسته و باشعار «هیچ چیز با ارزش‌تر از استقلال و آزادی نیست» همه توانائی‌ها و امکانات خود را وقف آزادی ملی و دفاع از میهن نموده‌اند. ما بزرگ‌ترین و وحشیانه‌ترین جنگ تجاوزکارانه تاریخ امپریالیست‌های آمریکائی را دفع کرده و آنها را مجبور کرده‌ایم که سربازانشان را بازگردانند و استقلال، حاکمیت و وحدت و یکپارچگی ارضی کشور ما را به رسمیت بشناسند. ما قوای شمال

را در زیر باران میلیون‌ها بمب و توپ دشمن از هر نظر حفظ و تقویت کرده و با عزمی راسخ شمال را در راه سوسیالیسم به پیش برده ایم. مبارزه ما به مبارزه مشترك كارگران و مردم جهان برای تحقق صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم کمک‌های ارزشمندی نموده است.

در راه این هدف بزرگ زنان ویتنام سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند که به راستی غرور و ستایش برمی‌انگیزد. از همان هنگام که نیاکان ما کشور ما را بنیان نهادند، عشق به وطن و شجاعت سنت بارز هزاران ساله زنان ما بوده است. این سنت‌گرانیها که توسط حزب ما و هوشی‌مین محبوب ما بار آور شده و ارتقاء یافته است، در دوران مبارزه ضد آمریکائی برای رهائی ملی به کامل‌ترین و درخشان‌ترین صورتی تجلی کرد.

ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید «وقتی مهاجمین می‌آیند، حتی زنهام باید اسلحه بردارند.» و این کاملاً حقیقت دارد! زنان در دفاع از سرزمین مادری مان و در مقابل امپریالیسم امریکا، برای شرکت مستقیم در نبرد اسلحه برداشتند و به مبارزین شجاع و قهرمان، جنگجویانی متهور و فرماندهان جنگی برجسته‌ای بدل شدند.

در صحنه جنگ مردم در شمال، زنان ما این دختران شجاع و سرسخت میهن که تا به آخر در دفاع از وطن و عزیزانشان شجاعانه جنگیدند، همواره حضور دارند. واحدهای متعدد میلیشیای زنان و گروهان‌های ضد هوائی زنان، بارها و بارها هواپیماهای آمریکائی را بزیر کشیدند، خلبانان آمریکائی را اسیر کردند، کشتی‌های جنگی امریکائی را آتش زدند و شجاعانه از دهکده‌های بومی خود دفاع کردند. ده‌ها هزار دختر روز و شب از جاده‌ها پاسداری کردند و

آتش اسلحه دشمن را پاسخ دادند. بمب‌های ساعت شمار را خنثی کردند. پلها و جاده‌ها را مرمت کردند و ارتباطات جبهه را برقرار نگهداشتند. مادران و همسرانی که عشق به وطن و خانواده را در دل داشتند شوهران و پسرانشان را برای رفتن به جبهه تشویق می‌کردند. چه تعداد کثیری از آنها که عزیزترین کسانی‌شان را فدای میهن کردند! زنان ما در نهضت «وظایف سه‌گانه» که در آن زمان جنبش انقلابی خروشان بود، برای پاسخگویی به نیازهای مبرم جنبش مقاومت، وظیفه بسیار مهم و سنگین ساختن و تحکیم پشت جبهه وسیع سوسیالیستی را به‌عهده داشتند. زنان همواره جبهه‌ها را چه از لحاظ مادی و چه از نظر روحی تأمین و تقویت می‌کردند، با بمب‌ها و توپ‌ها متهورانه مواجه می‌شدند، به اوضاع جوی نامساعد اعتنائی نداشتند و در همین حال برای تأمین تولید در هر شرایط، مزارع و کارخانجات را يك لحظه رها نمی‌کردند و به سنت قهرمانی و سخت‌کوشی زنان ویتنامی قوت می‌بخشیدند. هر دانه برنجی که به جبهه فرستاده می‌شود با روح «مسئولیت سه‌گانه» زنانمان در پشت جبهه، با عواطف عمیق، با عرق جبین و خون آنان عجین شده است. ویتنام شمالی سوسیالیستی که اساس انقلابی کل سرزمین ماست، قدرت خود را وسیعاً از نیروی زنان ما که بپا خاسته‌اند تا گردانندگان جامعه و کشور باشند، دریافت کرده است.

حزب و دولت ما کوشش‌ها و دستاوردهای زنانمان را در انقلاب دمکراتیک ملی و همچنین در انقلاب سوسیالیستی، چه در زمینه‌های تولیدی و چه در زمینه‌های مبارزاتی، قویاً ارج می‌نهد. میهن‌پرستی، روح رزمندگی، جانبازی، فداکاری، از خودگذشتگی، ابتکار و خلاقیت قهرمانانی چون نگوین تی‌سوت<sup>۱</sup>، نگوین تی‌هان<sup>۲</sup>،

1- Nguyen Thi Sout

2- Nguyen Thi Hanh

ووتی نام<sup>۲</sup>، دائوتی هائو<sup>۴</sup>، نگوین تی سانگ<sup>۵</sup>، لاتی تام<sup>۶</sup> و بسیاری زنان دیگر جلوه های درخشانی از قهرمانی و انقلابیگری مردم و قیام هستند. زنان قهرمان، شجاع، وفادار و توانای ویتنام یکی از عالی ترین تصاویر نسل کنونی ویتنام هستند.

### آزادی ملی، آزادی طبقه کارگر و رهائی زنان

در جامعه قدیم زنان بیش از همه تحت رنج و ستم قرار داشتند. بنابراین آنان به انقلاب توجه بسیار میکردند و بخش بزرگی از نیروی مردم را تشکیل می دادند. هیچ مبارزه انقلابی بدون شرکت زنان به ثمر نمی رسد. به ثمر رسیدن انقلاب سوسیالیستی که عمیق ترین کامل ترین و همه جانبه ترین انقلاب در تاریخ بشری است بدون شرکت فعال زنان غیر قابل تصور است. لنین گفته است: «اگر زنان به خدمات عمومی، به میلشیا و به زندگی سیاسی کشیده نشوند، اگر زنان از محیط خرفت کننده خانه و آشپزخانه گسسته نشوند، تضمین آزادی واقعی غیر ممکن خواهد بود، ساختن سوسیالیسم که هیچ، ساختن دموکراسی نیز غیر ممکن خواهد بود»<sup>۷</sup>.

رهائی زنان باید با آزادی ملی و آزادی طبقه کارگر پیوسته و مرتبط شود. اگر ملت و طبقه کارگر آزاد نشود، زنان نیز آزاد نخواهند

3- Vu Thi Nham

4- Dao Thi hao

5- Nguyen Thi Song

6- La Thi tam

۷- د. ای. لنین مجموعه آثار، انتشارات پروگرس، مسکو، ۱۹۶۰.

جلد ۲۳، ص ۳۲۹.

شد. همچنین اگر زنان رهائی نیافته و در اداره کشور سهمی نداشته باشند، ملت و همچنین طبقه کارگر به آزادی واقعی دست پیدانمی کنند. جامعه‌ای که در آن زنان هنوز وابسته باشند و از آزادی برخوردار نباشند، نمی‌تواند جامعه‌ای متمدن و پیشرفته به حساب آید. میزان تسلط زنان در اداره امور جامعه خود معیاری است برای سنجش پیشرفت و ترقی آن جامعه، زیرا زنان کسانی هستند که در جامعه کهن بیشترین بی‌عدالتی‌ها را متحمل شده‌اند. همانطور که رئیس جمهور هوشی‌مینه گفته است: «اگر زنان رهانشوند بیش از نیمی از سوسیالیسم تحقق نیافته است». اما تنها انقلاب سوسیالیستی و آرمان ساختن سوسیالیسم است که میتواند تمام شرایط اقتصادی و اجتماعی، مادی و معنوی لازم برای رهائی کامل زنان و نیل به برابری کامل زنان و مردان را، در تمامی زمینه‌ها فراهم آورد؛ برای زنان جایگاهی شایسته در جامعه تأمین کند؛ تمام توانائی و نیروی آنها را در خدمت جامعه بکارگیرد و در عین حال زندگی سعادت‌مند خانوادگی را برایشان فراهم کند. بهمین دلیل است که زنان بیش از هر کس دیگر انقلاب و سوسیالیسم را گرامی می‌دارند.

رهائی زنان بعنوان جزئی لاینفک از جنبش انقلابی، تنها قدم به قدم همراه با پیروزی‌های انقلاب است که می‌تواند تحقق یابد. پیروزی شکوهمند انقلاب اوت ۱۹۴۵، پیروزی‌های بزرگ دوجنگ قهرمانانه مقاومت بر علیه مهاجمان امپریالیست، دستاورد بزرگ اصلاحات ارضی، گذار به سوسیالیسم و بنای مقدماتی سوسیالیسم، در همان حال که برای انقلاب ویتنام جهش بزرگی به پیش است، گام بلندی است در زندگی زنان، چرا که وضعیت آنان را در جامعه، بطور بنیادی تغییر می‌دهد. زنان امروز ویتنام، رها از تمام بی‌عدالتی‌ها و



قیود فئودالی، از سطح بردگان تحت ستم و منکوب شده، به مقام گردانندگان جامعه و دولت رسیده‌اند.

قوانین رژیم جمهوری دمکراتیک این تغییرات بزرگ در زندگی عملی را به رسمیت شناخته‌است. قانون اساسی کشور ما همانند بسیاری از دیگر قوانین دولت، از هر جهت قائل به حقوق برابر برای زنان است و حقوق زنان را در تمام حوزه‌های فعالیت اجتماعی و همچنین در ازدواج و در خانواده تأیید می‌کند. حزب، دولت، سازمان‌های زنان و جوانان و اتحادیه‌های صنفی توجه لازم را به بالا بردن سطح آگاهی سیاسی، علمی و تکنیکی زنان مبذول می‌دارند، در حل مسائل خانوادگی به آنان کمک کرده و همواره نقش آنان را در تولید و در اداره دولت ارتقاء می‌دهند. نیرو و ظرفیت زنان که حزب، حکومت و رژیم ما فعالانه در صدد تشویق، پرورش و ارتقاء آن است، خود به منبع بزرگی از قدرت و تضمینی فوق‌العاده مهم برای انجام موفقیت‌آمیز هر وظیفه انقلابی تبدیل شده‌است. دستاوردها و پیشرفت جنبش زنان در چند سال گذشته نشان‌دهنده موفقیت بزرگ حزب ما در بسیج توده‌ای و همچنین دستاورد برجسته «اتحادیه زنان ویتنام» می‌باشد.

بهر حال ما نمی‌توانیم در مورد بسیج زنان به آنچه که تاکنون حاصل آمده، راضی باشیم. با آنکه زنان کشور ما نسبت به گذشته پیشرفت زیادی کرده و به گردانندگان جامعه و دولت ارتقاء یافته‌اند، هنوز تمام قابلیت‌های آنها بکار گرفته نشده است؛ زیرا هنوز در مورد شرایط کار، معیارهای آموزشی و حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانوادگی با مشکلات بسیاری روبرو هستند. نیروی کار زنان بسیار فراوان است اما این نیرو به شکلی منطقی توزیع نگشته و به کار گرفته نشده است. علت ریشه‌ای این وضع در این واقعیت نهفته است که کشور ما سالیان

درازی درگیر جنگ با امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم امریکا بوده است، بنابراین شرایط و وقت لازم را نداشته که کوشش‌هایش را بر توسعه اقتصاد کشور و تولیدگسترده سوسیالیستی متمرکز سازد، تا این اقتصاد بعنوان اساس رژیم نوین بکار گرفته شود و حرکت به جانب رهایی زنان را ممکن سازد. علت مهم دیگر آنست که در جامعه ما هنوز در مورد رابطه خانواده و جامعه، در مورد مسئولیت‌های زنان در قبال جامعه و خانواده و همچنین مسئولیت‌های جامعه در قبال هر خانواده، هر زن، هر مادر و هر همسر مفاهیم کاملاً دقیقی وجود ندارد. در میان مردم و حتی در میان کادرها هنوز بازمانده آرمان‌های واپس‌گرای فئودالی از قبیل بذل توجه بیشتر به مردان نسبت به زنان و عدم توجه و حمایت کافی نسبت به حقوق قانونی زنان، معاف نکردن زنان آزاد از «بردگی خانوادگی» و بدتر از همه دست‌زدن به اعمال وحشیانه و غیرانسانی در مورد آنها وجود دارد. چنین وضعیتی، حتی در شرایط اجتماعی-اقتصادی کنونی، مانع اجرای سیاست‌ها، قواعد و مقرراتی است که هدفشان بالابردن نقش و وضعیت زنان در جامعه می‌باشد. برای تحقق برابری کامل زنان و مردان و رهایی زنان لازم است که در بسیاری جوانب بیشتر از گذشته کار کنیم.

پس باید دید مسئله رهایی زنان و کسب برابری زنان و مردان در مرحله کنونی انقلاب سوسیالیستی در ویتنام شمالی مستلزم چه چیزهایی است؟ واضح است که پس از پیروزی‌های قطعی‌گذار سوسیالیستی و پایه‌گذاری روابط تولیدی نوین؛ مضمون اساسی مبارزه برای رهایی زنان، عمدتاً مبارزه بر علیه فقر اقتصادی و مفاهیم غلط و عقب مانده جامعه کهن در مورد زنان می‌باشد. تحقق شرکت هر چه وسیع‌تر زنان در اداره جامعه و تولید به شکلی متناسب با خصوصیات و ظرفیت‌های

آنان نیز مسئله عمده‌ای است. باید بارکار خانگی از طریق تنظیم مجدد و عاقلانه زندگیشان کاهش یابد، باید فعالانه برای بالا بردن معیارهای سیاسی، آموزشی، علمی و تکنیکی زنان کوشش شود. بنابراین در انقلاب سوسیالیستی، رهائی زنان ماهیتاً عبارت است از تضمین مشارکت کامل آنان در اداره جمعی جامعه از سه جنبه حاکمیت بر جامعه، حاکمیت بر طبیعت و حاکمیت بر خودشان. این است مضمون مبارزه برای رهائی زنان در دوران گذار به سوسیالیسم.

تنها در رژیم سوسیالیستی است که هر انسانی خود حاکم است. سوسیالیسم رژیم کاملاً نوینی در تاریخ است که می‌تواند نه تنها کل جامعه بلکه هر خانواده را رها سازد و زندگی نوینی را هم برای جامعه و هم برای هر خانواده فراهم آورد و منافع و بهروزی جامعه را با بهروزی و منافع هر خانواده، به‌طرزی هماهنگ، ترکیب کند. به‌علاوه رژیم مبتنی بر حاکمیت جمعی نه تنها زنان را تا مرتبه گردانندگان جامعه و دولت ارتقاء می‌دهد، بلکه شرایطی فراهم می‌آورد که آنان بر طبیعت و بر خود حاکمیت داشته باشند و هر چه بیشتر پیشرفت نمایند. بنابراین پایه‌گذاری یک رژیم سوسیالیستی بر اساس حاکمیت جمعی، باعلاق و خواست‌های زنان همخوانی بسیار دارد و وسیله‌ای است اساسی در راه رهائی کامل آنان. البته این هدف عالی تنها می‌تواند، از دستیابی موفقیت‌آمیز به سه انقلاب (انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب تکنیکی و انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی) برای گذار از تولید کوچک و عقب‌افتاده به تولید گسترده سوسیالیستی حاصل آید. همانطور که لنین اشاره کرده است: «رهائی واقعی زنان، کمونیسم واقعی ما تنها در جایی و در هنگامی شروع می‌شود که مبارزه همه جانبه‌ای (تحت رهبری پرولتاریا که قدرت دولتی را در دست داشته

باشد.) بر ضد کار خرد خانگی آغاز شود و یا بهتر بگوییم وقتی که تبدیل همه‌جانبه آن به اقتصاد گسترده سوسیالیستی شروع شود.<sup>۸</sup> زنان باید بکوشند که این هدف انقلابی را که مطلوب و مورد علاقه‌شان است به پیش برند و ترقی دهند، تمام موانع و مشکلات را زیر پا نهند و در این راه عقده‌حقارت و تسلیم‌طلبی را از خود دور نمایند. زنان ویتنام باید با تمام نیرو و هوشیاری خود به منزله نیروی پویا به پا خیزند و روند ساختن رژیم نوین، اقتصادی نوین و انسانی نوین را تسریع نمایند تا جامعه ما را واقعاً بهتر و برتر کنند و شکوه و جلال را برای میهن و بهروزی را برای هر خانواده به ارمغان آورند. و این هم مسئولیتی سنگین و هم افتخار بزرگی است برای جنبش زنان در مرحله نوین کنونی.

#### انجام وظیفه بعنوان يك شهروند و نقش يك مادر در رژیم سوسیالیستی

انجام موفقیت‌آمیز چنین رسالت اصیل تاریخی در گرو آنست که وظیفه جنبش زنان در شمال کشور «ساختن زن نوین سوسیالیست» باشد. منظور ما از زن نوین چیست؟ کسی که وظیفه خود را به عنوان يك شهروند سوسیالیست به خوبی انجام می‌دهد. کسی که وظیفه اصیل خود را به عنوان يك مادر در قبال فرزندانش و بعنوان يك همسر در قبال خانواده بطور ارضا کننده‌ای عملی سازد. در واقع در هر جامعه زن هم شهروند است، هم مادر و هم همسر. اما بین يك شهروند برده و يك کارگر مزدور در رژیم مالکیت خصوصی و يك شهروند سوسیالیست که بخشی از حاکمیت جمعی و جزء گردانندگان دولت است، بین يك خانواده فئودالی یا سرمایه‌داری و يك خانواده سوسیالیستی و نیز بین

۸- و. ای. لنین: همان، جلد ۳، ص ۲۲۱.

مادر و همسر در جامعه قدیم و مادر و همسر در جامعه نوین تفاوت اساسی و فاحش وجود دارد؛ در رژیم ما نه تنها برای شرکت زنان در امور عمومی (مدیریت اقتصادی، مدیریت دولتی) بلکه حتی برای به دنیا آوردن بچه، پرورش و آموزش کودکان و کار در خانه خصیصه عمیقاً اجتماعی قائل می‌شوند. انجام این وظایف با پیشرفت عمومی جامعه در رابطه تنگاتنگ قرار داده شده و بخش لاینفکی از هدف دگرگونی جامعه قدیم و ساختن یک جامعه نوین را تشکیل می‌دهد.

اکنون، متعاقب پیروزی بزرگ جنگ مقاومت ما بر علیه تهاجم ایالات متحده و برای آزادی ملی، انقلاب ویتنام به مرحله جدیدی گام نهاده است. بیست و دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب، وظیفه عام بخش شمالی را در این مرحله چنین قرار داده است: متحد کردن تمام مردم، کوشش برای تحقق صنعتی کردن سوسیالیستی، تشریح جریان انقلاب، نوسازی و هدایت سریع، با قدرت مداوم «شمال» بسوی سوسیالیسم، آمیختن اقتصاد با دفاع ملی، هشیاری و آمادگی برای خنثی کردن مانورهای امپریالیسم آمریکا و ایادی آن، کوشش هر فرد در انجام وظایفش در مبارزه انقلابی در جهت تکمیل استقلال و دموکراسی در ویتنام جنوبی، پیش‌برد وحدت صلح‌آمیز مجدد میهن و انجام وظایف انترناسیونالیستی در قبال انقلابات لائوس و کامبوج.

وظایف شمال در دو سال ۱۹۷۴-۱۹۷۵ عبارتست از: اتمام سریع مرمت صدمات حاصله از جنگ در اسرع وقت، کوشش برای بهسازی و توسعه اقتصاد، ارتقاء فرهنگ، ادامه بنای بنیادهای مادی و تکنیکی سوسیالیسم، تحکیم رژیم سوسیالیستی در رابطه با تولید سوسیالیستی در تمام جوانب، تثبیت وضعیت اقتصادی و زندگی مردم، تقویت دفاع ملی و کوشش در انجام وظیفه آن در قبال جنوب قهرمان.

هرزنی که بخواهد بعنوان يك شهروند ویتنامی که به کشورش  
وبه سوسیالیسم عشق می‌ورزد؛ وظایف خود را به نحو احسن عملی  
سازد؛ بایستی حداکثر کوشش خود را برای مشارکت در انجام این  
تکالیف عام بکار برد.

امروزه نیروی کار زنان در کشاورزی بالغ بر ۰/۶۰ کل نیروی  
کار است. ۰/۴۲ کل کارگران و شاغلین و ۰/۵۲ کارگران کارهای  
دستی زن هستند. در تجارت نزدیک به ۰/۶۰، در خدمات بهداشتی  
عمومی نزدیک به ۰/۶۰، در آموزش و پرورش ۰/۵۲ نیروی کار را  
زنان تشکیل می‌دهند. زنان با شرکت در تمام رشته‌های اقتصاد ملی،  
با درایت و ظرفیتی که در عمق شرایط بد جوی از خود نشان می‌دهند،  
می‌توانند عملاً نقطه اتکا نهضت کار، تولید و عمل مدبرانه در ساختمان  
سوسیالیسم باشند. همانطور که برای استقلال و آزادی میهن‌مان از  
هیچ فداکاری و جانفشانی دریغ نداشتیم، اکنون نیز برای ایثار تمام  
قدرت و تفکر خود در راه سازندگی ملی آماده‌ایم. همانطور که زنان  
ویتنامی توانستند بر تاریخ مبارزات میهن‌مان بر علیه تهاجم خارجی،  
اوراق باشکوهی بیفزایند، اکنون نیز بیش از پیش توانائی آن را  
دارند که با خود آگاهی و کار خلاق، مشارکت ارزشمندی در افزایش  
نیروی کشورمان داشته باشند و در امحاء فقر و عقب‌ماندگی و از میان  
برداشتن تمام مظاهر منفی و ناسالم که با طبیعت حکومت و خطوط و  
سیاست‌های حزب و دولت‌ها منافات دارد، کوشا باشند.

در جامعه ما، هنگامی که از کار حرف می‌زنیم باید بر کار هم‌راد  
با تکنیک، سازمان و انضباط تکیه کنیم؛ زیرا در نظام ما باید بازدهی  
کار بسیار زیاد باشد و هر اندازه که ممکن است برای خودمان و نیز  
برای جامعه، برای نسل حاضر و همچنین نسل آینده، ثروت مادی فراهم

آوریم. کاری که بدون تکنیک و بدون بازدهی زیاد انجام شود، کاری است ابتدائی و با ماهیت کار سوسیالیستی ما تفاوت دارد. بنابراین زنان ویتنام بایستی بیش از هر کس دیگر کوشا باشند که بیاموزند، پیوسته سطح معیارهای حرفه‌ای خود را بالا ببرند، بر علوم و تکنیک تسلط یابند، نمونه‌ای از رعایت انضباط در کار بدست دهند، و از گرایش به «کار مزدوری» تنبلی، بطالت و کندی انتقاد نمایند. چه بسیارند زنان قهرمان و کارگران نمونه‌ای که در بخش‌های مختلف اقتصاد و فرهنگ حامی و مؤید سبک جدید کار می‌باشند و گواه صادقی هستند بر توانائی‌های عظیم زنان کارگر. مسئله مهم چگونگی بسیج آنان و از آن مهمتر چگونگی سازماندهی و هدایت آنان است.

زنان به عنوان شهروندان خوب جامعه ما و بخش بزرگی از نیروی مردم، باید موقعیت ارزشمندی در اداره جامعه و دولت کسب کنند. در حال حاضر ۰/۳۰ نمایندگان مجلس ملی و ۰/۴۰ نمایندگان شورای مردم زن هستند. ۵۰ تن از نایب رئیس‌ها و اعضاء کمیته‌های اداری ایالتی، بیش از ۳۰۰۰ تن از رؤسا و نایب رئیس‌های کمیته‌های اداری منطقه‌ای و روستائی، ۱۳۰ مدیر یا نماینده مدیر در کارخانه‌ها، ۱۲۰۰ استاد دانشگاه و تقریباً ۷۰۰۰ تن از رؤسا یا معاونین تعاونی‌های کشاورزی زن هستند. این خود قدم بزرگی است به پیش برای زنان و برای تحقق نقش آنان به عنوان گردانندگان جامعه. مادر آینده باید شرایط مطلوب‌تری برای شرکت مؤثرتر زنان در اداره اقتصاد و دولت ایجاد نمائیم.

حزب و دولت ما امیدوار است که این کنگره بحث‌هایش را بر یافتن راه‌هایی متمرکز سازد که شور انقلابی را در زنان اعتلاء بخشد و همراه با اتحادیه‌های صنفی و اتحادیه جوانان با قدرت تمام بسوی

نهضت تولید، تدبیر اندیشی برای آرمان سوسیالیسم و برای جنوب  
 - پاره وطن ما - و برای یکپارچه ساختن مجدد کشور قدم بردارد.  
 يك زن در عین حال که شهروند و کارگر جامعه است، همسر  
 و مادر نیز هست. تنها در صورتی که تمام این جوانب را در نظر بگیریم  
 می توانیم با مسئله زنان به طرز صحیحی روبرو شده و امر رهایی زنان را  
 حل کنیم و به درك کاملی از جنبش زنان دست یابیم. وقتی که ما از  
 همسر و مادر حرف می زنیم، سخن از خانواده است. مسئله رهایی  
 زنان با ساختن خانواده نوین سوسیالیستی کاملاً همبسته است.  
 خانواده واحد طبیعی جامعه و شکلی از هستی زندگی انسانی  
 است. بدون خانواده باز تولید خود انسان و جامعه نمی تواند وجود  
 داشته باشد و جامعه نمی تواند به هستی خود ادامه دهد و گسترش یابد.  
 خانواده به عنوان يك محصول اجتماعی همراه با تکامل جامعه  
 تکامل یافته است. خصوصیات و ساخت خانواده در هر دوره معین  
 در تکامل، توسط شرایط اقتصادی - اجتماعی آن دوره تعیین می شود.  
 در جوامع استثمار، خانواده بر پایه منافع خصوصی قرار داشت:  
 بنابراین در خانواده فئودالی اصل «شوهر تصمیم میگیرد» و در ازدواج  
 سرمایه داری اصل «اول پول را رد کن» بوجود آمد. این اصول غیر انسانی  
 برای زنان، رنج و تحقیری ناگفتنی بیار آورد. در جامعه سوسیالیستی  
 که حاکمیت مالکیت خصوصی، ستم و استثمار پایان می یابد، خانواده  
 بر اساس روابط برابر و عشق راستین بنا میشود و دیگر چون نظام های  
 پیشین که اساس جامعه بر تولید خرد و فردی قرار داشت، يك واحد  
 اقتصادی به شمار نمی آید. خانواده به عنوان عنصری که رابطه عاطفه  
 و محاسن سوسیالیستی را دقیقاً منعکس می کند، در زندگی و توسعه  
 جامعه نوین، نقشی الزاماً اجتماعی به عهده دارد.



پیش از این، برخی از ما به مطالعه مسئله خانواده توجه کافی نشان نمی دادیم؛ بنابراین روابط بین خانواده و جامعه، معنی حقوق و همچنین نقش خانواده در حکومت سوسیالیستی را به روشنی درک نکرده بودیم. بنظر می رسد رفقائی هستند که هنوز فکر می کنند که به عنوان يك فرد انقلابی نباید از خانواده سخنی به میان بیاورند و اگر از خانواده حرف بزنند از منافع فردی و امور خصوصی که با اخلاق جمعی در تقابل قرار میگیرد، سخن گفته اند. حال آنکه چنین نیست.

يك فرد انقلابی به خانواده کم بها نمی دهد، زیرا برخلاف آنچه که ضد کمونیست ها قلمداد می کنند، «ضد خانواده» نیست. به عکس بعنوان يك فرد وطن پرست، شخصی که به ایدئولوژی عالی سوسیالیسم ارج می نهد و رزمنده ای که قلباً برای بهروزی مردم مبارزه می کند، به خانواده توجه بسیار مبذول می دارد. با توجه به این امر، نقطه نظر اصلی ما عبارت از آنست که منافع و شادکامی خانواده کلاً وابسته به منافع و شادکامی جامعه می باشد. و شادکامی جامعه در شادی هر يك از افراد جامعه و هر خانواده متجلی می شود.

در واقع اگر هنوز استعمار طبقاتی وجود داشته باشد، اگر مردم هنوز در رنج باشند و اگر تمامی جامعه به بهروزی کامل دست نیافته باشد برای خانواده نیز شادی نمی تواند وجود داشته باشد. باین دلیل انقلابیون و میهن پرستان می دانند که چگونه در مبارزه خستگی ناپذیر خود برای آزادی ملت و طبقه کارگر منافع عموم را مقدم بر همه چیز قرار دهند، و آماده اند که در راه منافع جمع، تمام منافع خصوصی را فدا کنند. اهمیت این مبارزه سرشار از فداکاری در چیست؟ هدف این مبارزه تحقق يك جامعه آزاد و شاد، رها از نیاز و حسرت می باشد و هنگامی که جامعه شادکام باشد طبیعتاً خانواده هم شادکام است.

انقلاب سوسیالیستی برای تمام خانواده‌ها شادی به‌ارمغان می‌آورد. با ساختن سوسیالیسم، زندگی مادی و اخلاقی خانواده تأمین می‌شود و هر روز کیفیت آن ارتقاء می‌یابد. از طرف دیگر وجود یک زندگی خانوادگی منظم و شاد شرط بسیار مهمی برای آرامش فکر زحمتکشان و موجد شوق خدمت به جامعه در آنان است. سازمان دادن درست زندگی خانواده مطابق با هنجارهای زندگی نوین، شرط مهمی است برای ساختن یک جامعه نوین و پیشرفت اجتماعی در زمینه اقتصاد، فرهنگ و اخلاق. رئیس جمهور هوشی مینه گفته است: «بذل توجه بسیار به خانواده امر صحیحی است زیرا جامعه از تجمع خانواده‌های بسیار ساخته شده است؛ یک جامعه خوب خانواده‌ها را بهتر می‌کند و خانواده‌های خوب جامعه خوبی می‌سازند.»

قانون بنیادی اقتصادی سوسیالیسم ایجاب می‌کند که با توسعه مداوم تولید، نیازهای مادی و فرهنگی رو به افزایش مردم پاسخ داده شود. از بسیاری جهات پاسخگویی به این نیازها، از طریق واحد خانواده انجام می‌شود. بهمین دلیل است که حزب، حکومت و سازمان‌های توده‌ای باید از زندگی هر خانواده، پوشاک، تغذیه، مسکن و آموزش و پرورش اطفال مراقبت به عمل آورند. وقتی که ما به حل مسائلی که با زندگی مردم در ارتباط قرار می‌گیرد، دست می‌زنیم؛ باید به واحد خانواده و نیازهای گوناگونش توجه داشته باشیم. باید دقت کنیم که خانواده‌ها بهترین خدمات و بیشترین رفاه را برای رفع نیازهایشان در اختیار داشته باشند. برای خانواده و برای نیازهای زندگی خانوادگی چه کاری باید انجام شود؟ این سوالی است که طبیعتاً هنگام اندیشیدن به اقتصاد، تولید و شرایط دیگر پیش می‌آید. این موضوع باید در تعاونی‌ها، در سطوح منطقه و ناحیه و بطور کلی در برنامه دولت مطرح

شود. تنها هنگامی که ما حس عمیق خدمت به مردم را داشته باشیم، از شرایط زندگی هر خانواده به خوبی اطلاع یابیم و بدانیم که چگونه خانواده خرج غذا و مسکن و غیره را تأمین می کند، می توانیم واقعاً به این سؤالات پاسخ دهیم: «برای خانواده چه باید کرد؟»، «برای خدمت بهتر به مردم چه باید کرد؟» کل جامعه رسیدگی به هر خانواده را به عهده می گیرد و آنرا به يك واحد شاد و راحت بدل می سازد تا این خانواده ها بتوانند کوشش های بیشتری در ساختن جامعه نوین نمایند. هر کسی باید بدون هیچ گونه تنگ نظری خودخواهانه، بلکه با این احساس که خود جزئی از حاکمیت جمعی جامعه است، به امر زندگی و خوشبختی خانواده اهمیت بدهد و نه تنها باید به خانواده خود بلکه به تمام خانواده های دیگر جامعه نیز توجه کند. برای تنظیم زندگی خانوادگی به شکلی عقلانی و مطابق با وضعیت کلی کشور، باید کوشش شود تا برای هر يك از افراد خانواده شرایط لازم برای انجام وظایف اجتماعی به بهترین نحو، مهیا شود.

در نظام سوسیالیستی رابطه زناشویی بر اساس عشق راستین قرار دارد. زن و شوهر از لحاظ اقتصادی به یکدیگر وابسته نیستند و ازدواج آنان بر پایه عشق است. این عشق امری گذرا نیست بلکه احساس پایداری است که بوسیله احترام متقابل و آرمان های مشترك، روبه تحکیم هر چه بیشتر دارد. احترام متقابل زن و شوهر بدان معناست که آنها عادات و عقاید یکدیگر را مورد ملاحظه قرار داده و همیشه به یکدیگر توجه و دلسوزی نشان می دهند. عشق و احترام متقابل واقعی به آنها کمک می کند که در توافق با یکدیگر زندگی کنند و با هم امور خانواده را سامان دهند، به فرزندانشان بخوبی رسیدگی کنند و برای پیشرفت در همه زمینه ها بیکدیگر یاری رسانند و در انجام وظایف

اجتماعی مشوق یکدیگر باشند. يك ضرب المثل ویتنامی می گوید: «زن و شوهری که در زندگی باهم خوشبخت باشند می توانند دریای مشرق را پیمانه پیمانه بیرون بریزند و خشک کنند.» چنین خانواده‌ای خانواده سعادتمندی است و وقتی تمام خانواده‌ها خوشبخت باشند، تمام جامعه در شادکامی غوطه‌ور خواهد شد.

میل دارم خصوصاً درباره اهمیت عظیم اجتماعی نقش مادر در خانواده سخن بگویم. مادر فرزندان را به دنیا می آورد، آنها را می پروراند، تداوم نسل را عملی می سازد و زندگی و پیشرفت جامعه را تأمین می کند. البته نقش پدر را نمی توان نادیده گرفت. اما «زندگی بخشیدن پدر بر فرزند، به پای مراقبت مادر نمی رسد.» این ضرب المثلی است ویتنامی که جنبه خاصی از فرهنگ ویتنامی می باشد. برخلاف فرهنگ فتودالی که زنان را تحقیر می کرد و آنان را «تربیت ناپذیر» می دانست و می خواست «زن از اوامر شوهر اطاعت کند»، اما بر طبق فرهنگ مردم «اگر خانواده در توافق بایکدیگر زندگی کنند؛ می توانند دریای مشرق را پیمانه پیمانه بیرون بریزند و خشک کنند.» این فرهنگ برای مادر مقام والایی قائل است: «زندگی بخشیدن پدر به فرزند به پای مراقبت مادر نمی رسد.» در اینجا «مراقبت» به معنای پرورش و آموزش است. فرهنگ نوین ما، فرهنگ سوسیالیستی، این سنت اصیل انسان-گرائی، فرهنگ ملی و مردمی را به ارث برده و گسترش داده است. مادر كودك را به دنیا می آورد، در دوران بارداری و بهنگام وضع حمل مشقات بسیاری را تحمل می کند، كودك را با شیر خود می پروراند و شیره جان خود را به او می بخشد. پس از وظایف عظیم نسبت به میهن و انقلاب، چه چیزی بیش از عشق مادری مقدس است؛ آیا هیچ فداکاری و از خودگذشتگی می تواند به پای فداکاری مادر

برای فرزندانش برسند؟ «ماباید فرزندانمان را از طفولیت تعلیم دهیم.»  
- آشنائی کودک با فرهنگ انسانی اول بار از طریق مادر صورت می-  
گیرد. هر دقیقه و هر لحظه مادر احساسات، افکار و تجربیات زندگی  
خود را به فرزندش منتقل می کند. هر کلمه، هر لبخند و هر نقشی بر چهره  
او چه اندوه و چه شادی، اثر عمیقی بر فکر کودک می گذرد و طفل این اثر را  
در طول زندگی خود حفظ می کند. مادر سخن گفتن و لبخند زدن به او  
می آموزد، برایش لالائی می گوید، نصیحتش می کند و... و درست  
در خلال انجام این اعمال در امر حفظ و انتقال فرهنگ ملی از نسلی  
به نسل دیگر شرکت می کند.

در مورد سهم مادران، کسی صحیح تر و جامع تر از رئیس  
جمهور هوشی مینه نگفته است: «مردم ما، چه در شمال و چه در جنوب،  
از مادران بسیار سپاسگزارند که نسل های قهرمان کشور ما را زاده و  
پرورانده اند.» سرزمین ویتنام دختران و پسران قهرمان خود را مدیون  
مساعدت مادران قهرمان، شجاع، صادق و مسئول می باشد. در طول  
قرون مادران ویتنامی روح خواهران تروننگ<sup>۹</sup> و لیدی تریو<sup>۱۰</sup> را و نیز  
سنت کار مجدانه و عشق به وطن و خانواده را به ما منتقل کرده اند. ما  
به راستی می توانیم به مادران ویتنامی مان مباحثات کنیم.

ما نقش مادر را با تمام اهمیت اصیل اجتماعی آن درک می-  
کنیم. در رژیم سوسیالیستی فرزند در عین حال که اولاد پدر و مادر

---

#### 9- Trung Sisters

توضیح: ترانگ تراک (Traag Trac) و ترانگ نی (Trung Nhi)  
دو خواهر بودند که مردم ویتنام را در قیامی بر علیه چینی ها رهبری نمودند و نهایتاً  
این مردم موفق شدند که در سال ۴۰ بعد از میلاد، چینی ها را از ویتنام اخراج نمایند.

#### 10- Lady Trieu

است، فرزند کل جامعه نیز می باشد. بدنیآ آوردن، پرورش و تعلیم وی، وظیفه خاص مادر است ولی این مسئولیت و وظیفه در عین حال متوجه تمام جامعه نیز می باشد زیرا در جامعه ما هیچ کس جدا از اجتماع مردم زحمتکش و تعاون گسترده اجتماعی زندگی نمی کند. برعکس در جامعه قدیم زندگی بخشیدن به طفل و بزرگ کردن او فقط وظیفه مادر هر خانواده به حساب می آمد. بهمین دلیل است که مادران طبقات ستم دیده و استثمار شده که بعنوان کارگران مزدور رنجی ناگفتنی تحمل می کردند، در تولد و مرگ کودکانشان نیز تحقیر بسیار احساس می کردند. در رژیم ما دیگر مادر از این زشتی های اجتماعی رنج نمی برد. اکنون زنان از زندگی نوینی برخوردارند، آنها تبدیل به گردانندگان جامعه شده اند و از حق احترام اجتماعی بهره مندند. کل جامعه به زنان در مورد تولد کودک و بزرگ کردن آن اهمیت می دهد. جامعه باید برای هستی خود و سعادت عموم، به نفع پیشرفت اجتماعی و آینده بشریت، این مسئولیت را به عهده گیرد. مادری که فرزندان سالم و خوب تربیت می کند، در حقیقت وظیفه ای اصیل را در راه سعادت خود و جامعه اش ادا می کند. سهم شکوهمند پدر و مادر آنست که فرزندان باارزشی به جامعه تحویل دهند: شهروندانی خوب و کارگرانی قوی، جدی و کاردان. دولت باید برای منافع جامعه و سعادت هر خانواده، برای زندگی کنونی و خوشبختی آینده نسل ما، به جستجوی راههایی برای رسیدگی به زندگی مادی و معنوی مادران و فرزندان برخیزد.

ساختن انسان نوین از مهمترین وظایف انقلاب سوسیالیستی می باشد. انسان نوین محصول کل انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم است. به هر حال انسان نوین باید از همان ابتدا، از اولین روزهای

شیر خوراکی و از اولین مراقبتی که خانواده و جامعه از او به عمل می-آورد، از اولین محبت، نصیحت و توصیه‌ای که پدر و مادر به او می‌کند، بدرستی شکل گیرد و تربیت شود. بسیاری از ویژگی‌های فکری و شخصیتی انسان، از همان اوان کودکی و تحت تأثیر مستقیم خانواده، به صورتی اولیه، شکل می‌گیرد. بسیاری تأثیرات اجتماعی از طریق محیط خانوادگی بر طفل وارد می‌شود. تنها والدین جدی می‌توانند فرزندان‌شان را طوری تربیت کنند که در بزرگی افرادی جدی باشند. این والدین خود به تنهایی نیروی تربیتی عظیمی را تشکیل می‌دهند. بنابراین مادر به همراه پدر نقش و مسئولیت مهمی در شکل‌گیری انسان نوین به عهده دارد. خانواده باید تجلی تمامی چیزهای نو، زیبا، مترقی و بالنده در جامعه ما باشد. خانواده باید از آنچه که جامعه از هر فرد می‌طلبد، برخوردار باشد.

حمایت از مادران و فرزندان مهمترین مشغله ذهنی ما است. شکل دادن به زن نوین سوسیالیست وظیفه مشترک حزب، دولت و تشکیلات توده‌ای مردم ماست. همه باید خود را موظف بدانیم که تدبیر مؤثری در توانا کردن زنان به انجام موفقیت آمیز وظایف سه‌گانه خود به عنوان شهروند، مادر و همسر ببندیشم. این امر همچنین وظیفه بنیادی اتحادیه زنان - تشکیلاتی که منافع و خواست‌های زنان ویتنام را نمایندگی می‌کند - نیز می‌باشد.

در ابتدا و قبل از هر چیز، برای به کارگیری کامل توانائی‌های عظیم زنان در جبهه‌های کار، تولید و بهسازی و توسعه اقتصادی، باید نیروی کار زنان را از بهترین و منطقی‌ترین طریق بسیج گردانیم، سازمان دهیم و اداره کنیم. از طرفی سازمان‌های توده‌ای - و پیش از همه اتحادیه زنان - باید اقدام به تبلیغ و آموزش سیاسی کنند، آگاهی سوسیالیستی زنان

رابالا برند، درك آن در مورد مالکیت جمعی و اعتماد به نفسشان را افزایش دهند تا زنان بتوانند نزدیکی بین ساختمان سوسیالیسم و رهائی زنان را به طور کامل درك کنند. آنان باید درك روشنی از مسئولیتشان در قبال میهن، جامعه و خانواده داشته باشند. بر این اساس از زنان خواسته می شود که فعال ترین نقش را در عرصه رقابت برای کار و تولید به منظور به عمل در آوردن و ساختن سوسیالیسم به عهده گیرند. از طرف دیگر نهادهای مدیریت اقتصادی بایستی حداکثر کوشش خود را به کار برند تا به زنان در مورد کسب و ارتقاء دانش علمی و تکنیکی و افزایش ظرفیت های حرفه ای یاری رسانند. آنها در سپردن مشاغل مناسب به زنان دقت خاص به کار خواهند برد. واگذاری غیر منطقی وظایفی که به ساختمان جسمی زنان صدمه بزند باید قاطعانه منتفی شود: تمامی خدمات عمومی دولت در شهرهای مرکزی گرفته تا واحدهای تولید و کار باید در جهت بهبود بخشیدن به شرایط کار زنان کوشا باشند و برای تخفیف سختی کار زنان، ابزار کار مورد استفاده آنان را بهبود بخشند. اتحادیه زنان باید در تصمیم گیری در مورد دستورالعمل ها، سیاست ها و مقرراتی که به کار زنان مربوط می شود، از قبیل تربیت و پرورش کادرهای زن، استفاده و حمایت از کار زنان و غیره به دولت و اتحادیه های صنفی کمک فکری برساند و در کنار دولت و اتحادیه های صنفی بر اجرای این دستورالعمل ها، سیاست ها و مقررات کنترل و نظارت داشته باشد.

اتحادیه زنان در عین حال که زنان را بطور کلی برای شرکت در عرصه رقابت کار و تولید بسیج می کند، بایستی بررسی کند که چگونه عرصه رقابت را در هر رشته و در هر محل؛ در روستاها، در شهرها، در دفاتر و ادارات به روی زنان بگشاید و این امر را، تمرکز بر وظایف



• شخصی که با توانائی‌های زنان تناسب دارد، از قبیل انگیزه رقابت در پرورش ماکیان، در کاشت با تکنیک‌های جدید، در نهضت زنان در آموزش و فرهنگ، تربیت و ایجاد رقابت در میان کارگران ماهر، جنبش زنان برای مبارزه علیه خیانت در تجارت، حمایت از مالکیت جمعی و غیره متمرکز سازد. اتحادیه از طریق رهنمود و سازمان دادن به چنین فعالیت‌های مشخصی، آموزش سیاسی را به درستی در واحدهای محله‌ای عملی می‌کند و جنبش زنان را به پیش می‌راند.

حزب، دولت و تشکیلات توده‌ای، باید برای ارتقاء نقش و قابلیت زنان به عنوان گردانندگان جمعی، به وظیفه تربیت و پرورش کادرهای زن توجه بیشتری مبذول دارند. تا بتوان از وجود بسیاری کادرهای زن توانا که مسئولیت‌های جمعی را در رهبری و اداره رسته‌های مختلف در سطوح مختلف به عهده گیرند، برخوردار بود. ما باید کادرهایی را که به بهانه آنکه زنان گاه در مورد سلامت‌شان و خانواده‌هایشان مشکلاتی دارند، از سپردن مسئولیت‌های مهم به آنان، ابا دارند، شدیداً مورد انتقاد قرار دهیم. گاه پست‌های رهبری به شکلی ظاهری و سهل‌انگارانه در اختیار زنان قرار می‌گیرد و در نتیجه از مشارکت منطقی آنان در کار و در همکاری لازم برای انجام مؤثر وظایفشان جلوگیری می‌شود. زنان نیز باید به سهم خود بکوشند که سخت به مطالعه پردازند و در هر مورد به کسب دانش بیشتر و بیشتر پردازند. آنان بایستی شهامت قبول مسئولیت‌های تازه و مبارزه با هر نشانی از تنگ‌نظری، بخل و خودخواهی را داشته باشند. زنان باید بیش از هر کس دیگری با هم متحد شوند، یکدیگر را دوست بدانند، به یکدیگر یاری رسانند تا مشترکاً پیشرفت کنند و ظرفیت انقلابی‌شان تماماً به کار گرفته شود. اتحادیه زنان باید دقیقاً به شرایط کادرهای زن

در خدمات عمومی مختلف، در مؤسسات اقتصادی اشتراکی و یا تحت کنترل دولت توجه کند و برای یاری و ترغیب آنان به پیشرفت و به - کوشش هر چه بیشتر برای کار و مطالعه و انجام درست وظایف محوله - شان، از طرق مختلف با آنان تماس برقرار کند. در عین حال باید تسهیلات کامل در اختیار زنان گذاشته شود تا قابلیت های خود را در جهت کار بشیجی در میان هم جنسانشان بکار برند و توسعه دهند.

رسیدگی به شرایط زندگی و سلامت زنان، اقدامی است بسیار مهم که زنان ما را قادر خواهد ساخت که با وظایف خود به عنوان شهروند، مادر و همسر، برخورد مناسب داشته باشند. این اقدام بخصوص در مورد خویشاوندان کشته شدگان جنگ، معلولین و نظامیان و یا کسانی که در مناطق آسیب دیده و نواحی کوهستانی زندگی می کنند باید انجام گیرد و خود وظیفه مبرم حزب، دولت و تشکیلات توده ای، بخصوص اتحادیه زنان می باشد. وظیفه اخلاقی ماست که حداکثر کوشش خود را بکار بریم و با تکیه بر امکانات موجود فعالیت های دولت را با همکاری های مثبت مردم و خود زنان هماهنگ کنیم تا آنها را در فائق آمدن بر مشکلات زندگی روزمره از شرایط زندگی و نگهداری بچه گرفته تا مطالعه و شرایط کار یاری رسانیم. دولت بایستی تمام سیاست ها و قواعدی را که با زندگی زنان ما در ارتباط قرار نگیرد، کامل سازد؛ نهادهای دولتی و اتحادیه های صنفی باید مهد کودک، کود کستان، غذا - خوری، مراکز بهداشتی، زایشگاه، حمام عمومی و چاه بسازند و آنها را با کار آئی تمام به راه اندازند و شبکه توزیع کالاهای مصرفی و گروه های خدمات خانگی را در شهرها و روستاها توسعه دهد. کمیته های حزب، ارگانهای اجرایی در کلیه سطوح و تشکیلات توده ای باید عملی ترین و مشخص ترین اقدامات را برای کمک به زنان مان در غالب

آمدن بر مشکلات مبرم زندگی خانوادگی و سبک کردن تدریجی بار کارهای خانگی بخصوص درمورد خرید و آشپزی، به عمل آورند. اینها هستند عملی ترین وظایف برای نیل به رهائی زنان، تأمین حق آنان درمورد اداره جامعه و برابری بین مردان و زنان.

ما به وظیفه مادری و همچنین نقش و وظایف مادر در رژیم سوسیالیستی آگاهی داشته ایم. بنابراین کل جامعه ما، حزب و دولت ما، و تشکیلات توده ای، باید به مادران رسیدگی کنند تا هر یک از آنان بتوانند با غرور و وظیفه حساس خود را به انجام برسانند. بنابراین کار اتحادیه زنان به نمایندگی از طرف مادران، تعیین وظایفی است که باید به آنها اولویت داده شود.

ما بایستی توجه بسیار به سلامت زنانمان مبذول داریم و آنها را در پرورش صحیح فرزندانشان یاری دهیم. اتحادیه زنان بایستی با خدمات بهداشتی عمومی همکاری نزدیک داشته باشد تا زنان را با بهداشت در زندگی آشنا نماید و آنها را در به کار بستن دستورات بهداشتی زنان، مراقبت های قبل از زایمان، تنظیم خانواده و پرورش کودک به طریق علمی راهنمایی کرده و تشویق شان کند که عادات خرافی را در زندگی روزمره و پرورش کودک بدور افکنند بطوریکه زنان بتوانند به سلامت وضع حمل کنند. فرزندان خود را به طور رضایت آمیزی پرورش دهند و در انجام کارهایشان از سلامتی برخوردار باشند. اتحادیه زنان باید در این کار ابتکار عمل را بدست گیرد، با اتحادیه های صنفی، کمیته حمایت از مادران و فرزندان و سایر نهادهای دولتی وارد مذاکره شود تا بتواند به مؤثرترین برنامه ها در توسعه شبکه مهد کودکها و کودکستانها در روستاها و همچنین شهرها، دست یابد و از لحاظ کیفی خدمات این تأسیسات را بهبود بخشد تا مادران و خانواده ها

بتوانند با اطمینان خاطر فرزندان خود را به مهد كودك و كودكستان بفرستند. ما باید مهد كودكها و كودكستانها را به نحوی سازمان دهی کنیم که با شرایط عینی کار در بنیادهای مختلف تولیدی و دفاتر منطبق باشد، تا مادران برای فرستادن فرزندانشان به این مؤسسات از مطلوبترین شرایط برخوردار باشند. اتحادیه باید زنان را به مشارکت فعال در ساختن مهد كودكها و كودكستان تشویق کند و انگیزه «ساختن مهد كودكها و كودكستانهای مطلوب» را در آنها ایجاد کند.

در نظام سوسیالیستی، ما اهمیت بسیاری برای آموزش خانوادگی و اجتماعی قائلیم. هر يك از فرزندان ما باید به نحو شایسته ای در خانواده بزرگ شوند و آموزشهای لازم را در جامعه، از طریق مهد كودك و كودكستان گرفته تا کلاسهای آمادگی، از مدارس ابتدائی و متوسط گرفته تا دانشگاه و از تشکیلات «سازمان جوانان پیشرو هوشی مین» گرفته تا «اتحادیه جوانان کارگری هوشی مین» دریافت دارند. وضعیت فرزندان ما باید از طریق همکاری تنگاتنگ بین خانواده و جامعه معین شود. بهر حال هیچکس نیست که شرایطی مناسب تر از والدین برای درك فرزندان و نزدیک شدن و کمک و آموزش به آنان، داشته باشد. اتحادیه زنان باید در کنار نهادهای درمانی، آموزشی و فرهنگی و غیره، مادران را در بزرگ کردن و آموزش فرزندانشان راهنمائی کند. تا زنان بتوانند معنی اجتماعی این وظیفه را کاملاً درك کنند، به مسئولیت مادرانه خود وقوف کامل یابند و آگاهی علمی لازم را در این زمینه کسب کنند و شعار «مادران با محبت، بهترین کس برای پرورش و تربیت اطفال هستند» را هر چه بیشتر رواج دهند. سازمان دادن بحث پیرامون پرورش كودكان توسط مادران، تشریک مساعی و تعاون بین خانوادهها، بین مهد كودكها، كودكستانها، مدارس و تشکیلات

توده‌ای در واحدهای محله‌ای بسیار مطلوب است.  
آموزش کودکان و راهنمایی مادران در بزرگ کردن فرزندانشان  
وظیفه بسیار مهمی است. اتحادیه زنان بایستی تجارب خود را در مورد  
کارمیان مادران، باهدف پیشبرد بیشتر کار در این زمینه در دوران آینده،  
جمع‌بندی کند.

بنابراین فعالیت اتحادیه زنان با کوشش مجددانه‌ای که زنان ما در  
کل برای انجام وظایف خود به‌عنوان شهروند و مادر انجام می‌دهند  
با شکل‌گیری زن نوین سوسیالیست در رابطه نزدیکی قرار می‌گیرد.  
هریک از فعالیت‌های اتحادیه با هدف برانگیختن موج حرکت  
انقلابی در میان زنان، طراحی می‌شود. رهبران اتحادیه باید به‌منظور  
آنکه حرکت زنان را برانگیزند و پیوسته آن را ارتقاء دهند، روح  
وظایف کلی انقلابی را در سراسر کشور همچنین وظایف مهم و مبرم  
شمال را در این مرحله جدید در تمام سطوح درک کنند، سیاست‌های  
حزب‌مان را کاملاً دریابند، تصمیمات عمده حزب و دولت در مورد  
مسائل اقتصادی و کشورداری در دوره‌های مختلف را درک کنند و فعالیت-  
های رشته‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و تکنیکی را دقیقاً دنبال کنند  
و از این طریق وظایف جامع و صحیحی را به‌انجام برسانند، و اشکال  
و روش‌های مناسب تبلیغ را که در خور زنان مسن، با شغل‌ها و مناطق  
زندگی مختلف است، اتخاذ کنند.

اتحادیه زنان به‌منظور بسیج جنبش زنان و رسیدگی به شرایط  
و منافع آنان باید دائماً با اتحادیه‌های صنفی، «اتحادیه جوانان کارگری  
هوشی‌مین»، ادارات دولتی و تشکیلات توده‌ای همکاری نزدیک داشته  
باشد، اتحادیه‌های صنفی، «اتحادیه جوانان کارگری هوشی‌مین» و نهاد-  
های دولتی باید به‌سهم خود در مورد کار در میان زنان با اتحادیه زنان

همکاری بی دریغ کنند و چنین همکاری‌هایی را جزء وظایف خود به‌شمار آورند.

از کمیته‌های حزب در تمام سطوح، انتظار می‌رود که عمل تبلیغ را در میان زنان هدایت کنند. و نهادهای دولتی و تشکیلات توده‌ای را در اعمال دقیق خط و سیاست‌های حزب در زمینه بسیج زنان رهبری کنند. و بدین ترتیب شرایط مطلوبی برای اتحادیه زنان فراهم آورند تا این اتحادیه بتواند زنان ویتنامی را در جهت ایفای نقششان در مبارزه پرشکوه برای آرمان مشترك انقلابی مردم و برای رهایی زنان باموفقیت سامان و آموزش دهد و آنان را متشکل کند.

بگذار زنان شمال و جنوب ویتنام متحد شوند و برای تحقق آرمان مشترك انقلابی دز سراسر کشور کوشش کنند.

در همان هنگام که قسمت شمالی کشور ما به مرحله نوینی قدم می‌نهد و شورای نمایندگان ما درباره وظایف زنان در ساختن سوسیالیسم بحث می‌کند، افکار ما باید همواره متوجه جنوب - این نیمه محبوب کشورمان که هنوز به مبارزه برای کسب آزادی ملی ادامه می‌دهد باشد. در سی سال گذشته، حتی برای يك روز آتش گلوله در جنوب خاموش نشده است. استعمارگران فرانسوی که شکست خوردند، امپریالیست‌های آمریکایی به‌داخل کشور سرازیر شدند، قدم به قدم پیشروی کردند و سپس به تهاجم مسلحانه دست زدند و عملیات «پاک - سازی» مداوم، کشتار وسیع و قتل عامی را تدارك دیدند که عواقب وخیمی برای مردم ما بیار آورده و در نتیجه آن، زنان ما در ویتنام جنوبی رنج و ماتمی ناگفتنی را متحمل شده‌اند.

امپریالیست‌های آمریکائی و عمال آنها جنوب را به يك زندان

عظیم بدل کرده اند؛ مردم بیگناه، زنان و کودکان دسته دسته در اردو گاه- های اسیران جنگی شدیداً مورد اذیت و آزار قرار می گیرند، اشخاص میهن پرست تحت پیگرد واقع و دستگیر و کشته می شوند؛ هزاران نفر از آنان به مرگ تدریجی در «قفس بیرها» و یا در بازداشتگاه محکوم می شوند؛ زنان خصوصاً در معرض انواع شکنجه های وحشیانه قرار می گیرند، مأموران سربازگیری، جوانان و تعداد زیادی از مردان را مجبور می کنند که تفنگ در دست گیرند و بعنوان مزدور آمریکا بر علیه میهنشان بجنگند، هموطنانشان را بکشند و بیوه ها و یتیم های بیشماری برجا گذارند. بمب ها و گلوله ها و مواد شیمیائی مهلك آمریکائی، نه تنها شالیزارها و باغ های میوه را ویران کرده اند بلکه جنین را در شکم مادران از بین برده و بسیاری از زنان را عقیم ساخته اند. فرهنگ امپریالیستی حرمت زنان را لگدمال و افکار کودکان را مسموم کرد، سنت زیبای فرهنگ ملت را از بین برد و بخشی از جوانان جامعه ویتنام جنوبی را به زندگی بی بند و بار و ولگردی کشاند و صدها و هزارها خانواده را از هم پاشید.

اما یوغ سلطه امپریالیسم و عمال آن، که نفرت عمیق هم میهنان جنوبی ما را برمی انگیزد و خوابی که آنها برای غلبه بر جنوب و تبدیل آن به یک مستعمره نوع جدید آمریکا دیده اند، هرگز نمی تواند آتش سوزان وطن پرستی مردم ویتنام جنوبی و زنان قشرهای مختلف اجتماع را خاموش کند. سلطه امپریالیسم سرانجام در مقابل حرکت پرتوان کسانی که همراه با تمام مردم کشور بپا خاسته بودند تا انقلاب بزرگ و موفقیت آمیز اوت را به ثمر برسانند و جنگ مقاومت ضد- فرانسوی را پیروزی بخشند، سرنگون شد.

زنان ویتنام جنوبی با قلب هائی پر از نفرت از دشمنی که کشورشان

را اشغال کرده و خانواده‌هایشان را نابود کرده بود، مصممانه به مبارزه با دشمن برخاستند. در طول بیست سال گذشته پرچم استقلال و آزادی را برافراشته نگاهداشتند و به همراه همه هم میهنان و هم رزمان با صفحات باشکوهی در تاریخ میهن «دیوار برنجی»<sup>۱۱</sup> نگاشتند. مبارزه تزلزل‌ناپذیر و نبوغ آمیز «ارتش موبلندان»<sup>۱۲</sup> در سه جبهه تبلیغ سیاسی، نظامی و تهیجی در میان سربازان ارتش دست‌نشانده قدرت اعجاب‌انگیز و ماهیت جنگ میهنی جنوب را به طرز برجسته‌ای به نمایش گذاشته است.

در تمام دوران گسترش انقلاب ویتنام جنوبی، زنان وسیع‌ترین نیروی مردمی را تشکیل می‌دادند که فعالانه داوطلب شرکت در مبارزه‌ای سخت، پیگیر و به‌غایت مصممانه بر علیه اقدامات بسیار وحشیانه و طرح‌های «پاکسازی» آمریکا و دست‌نشانده‌گانش شد. بخصوص زنان مادر یک سلسله قیام‌های موفقیت آمیز که در هر مرحله شاخص رشد انقلاب بود، نیروی اصلی را تشکیل می‌دادند. این قیام‌ها عبارت بودند از: قیام‌هایی هماهنگ که در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۹ در مناطق وسیع روستایی صورت گرفت که اساساً نوعی از استراتژی نو استعماری آمریکا را شکست داد؛ حمله سه‌جانبه<sup>۱۳</sup> ارتش سیاسی که سیستم «دهکده‌های سوق‌الجیشی» را بکلی نابود کرد و برای نیروهای مسلح ویتنام جنوبی و مردم شرایطی به وجود آورد که بتوانند استراتژی «جنگ ویژه» آمریکا را شکست دهند و دیکتاتوری نگویندیم فاشیست را سرنگون کنند؛ شورش‌های همزمان در مناطق روستایی و در تعدادی از شهرها و ایالت‌ها در حمله سراسری ۱۹۶۸ که ضربه قابل توجهی

11- Fatherland's Brass wall

۱۲- ارتش زنان.

۱۳- حمله در سطوح سیاسی و نظامی و کلا تبلیغی در میان سربازان دشمن.



به استراتژی «جنگ موضعی» آمریکا وارد آورد و قیام‌های عظیمی که طرح «پاکسازی روستاها» توسط آمریکا و دست‌نشاندهانش را هدف حمله قرار داد. و بدین ترتیب سهم مهمی در پیروزی بزرگ حمله استراتژیک ۱۹۷۲ و خنثی کردن برنامه آمریکائی «ویتنامی کردن جنگ» داشت.

تصویر برجسته رزمندگی خواهران جنوبی ما، تصویر ده‌ها هزار تن زن ارتش زنان است که در زیر آتش دشمن و عملیات سرکوبگرانه آن دلیرانه پیشروی کردند و با آمیزه‌ای از اعتقاد و خشونت به مقابله با ترور و کشتار پرداختند، آنها با عزمی راسخ در سرزمین خود ماندند و با قصد آنکه «یک وجب از خاک میهن را تسلیم دشمن نکنند.» هر ده‌کده و هر کشتزار را در پناه گرفتند. «تصویر رزمندگی زنان ما تصویر قیام‌های عظیمی بود که به منظور درهم کوبیدن طرح «دهکده‌های سوق‌الجیشی» صورت می‌گرفت، تصویر گروه‌هایی از رسته زنان بود که با تانک و توپ مصاف می‌دادند و با دستجات دست‌نشاندهان آمریکا می‌جنگیدند، تصویر واحدهای چریکی زنان و جوخه توپخانه بود که با ابتکار تمام با هواپیماها و کشتی‌های جنگی دشمن مقابله می‌کردند و با قوای کوچکتر و تعداد کمتر با قوا و تعداد بزرگتر و بیشتر به ستیز بر می‌خاستند. تصویر رزمندگی زنان ما ستون‌های حامل تجهیزات است که از زنان تشکیل می‌شد. این رزمندگان روئین تن و خستگی‌ناپذیر که همواره در حال حرکت و حمل و نقل بودند، با آنکه اغلب گرسنه بودند هیچگاه جبهه را رها نکردند و همیشه اجناس و مهمات لازم را سر وقت به جبهه می‌رساندند؛ اینان بصورت کادرهای بودند که روز و شب در پشت جبهه، از زمین و مردم مراقبت می‌کردند و در هر نقطه حساس آماده بودند تا هر کس، هر قصبه و هر

روستا را تحت نفوذ خود در آورند؛ تصویر هزاران زن زندانی است که علی‌رغم شکنجه‌های سخت، در اعتقاد خدشه ناپذیر خود بی‌هیچ تزلزلی پای فشرده‌اند و حتی در زندان‌های آمریکا - سایگون و در مواجهه با دشمن، شرف انقلابی خود را دست نخورده حفظ کردند؛ تصویر مادران میهن‌پرست بی‌شماری است که با تمام وجود خود از مبارزین و زخمی‌ها حمایت و مراقبت می‌کردند و با هر کاسهٔ برنج را برای نیرو-های مسلح ذخیره می‌کردند تا آنها توانایی کافی برای جنگ با متجاوزین داشته باشند. تصویر تعداد بسیار مادران و خواهران دیگر ماست که در تمام حوزه‌های مبارزه در سراسر ویتنام جنوبی، خدمت می‌کردند. تمامی اینها تصویر درخشان زنان ویتنامی را که از صفات افتخار آمیز «قهرمانی، دلاوری، وفاداری و توانائی بر دوش گرفتن مسئولیت‌های بزرگ» سرشارند، متجلی می‌سازد.

برای مردم ما از خود گذشته‌گی، اعمال فوق‌العاده شجاعانه و دشوار زنان ویتنام جنوبی - زنان قهرمانی چون نگوین تی اوت تیه<sup>۱۴</sup>، نگوین تی هونگ گام<sup>۱۵</sup>، توان تی تام<sup>۱۶</sup>، تاتی کیو<sup>۱۷</sup>، نگوین تی فوک<sup>۱۸</sup>، ای بونگ<sup>۱۹</sup> و بسیاری دیگر از قهرمانان و شهدای جنگ، شناخته شده یا گمنام، که با شایستگی تمام سابقهٔ درخشانی برای زنان ما کسب کرده‌اند، بی‌نهایت تحسین برانگیز است.

نتیجه موافقت‌نامه پاریس پیروزی بزرگی برای مردم ماست. مبارزه برای انجام این موافقت‌نامه بهترین راه برای پایان بخشیدن به مصیبت‌هایی است که تجاوز جنایتکارانه آمریکا به مردم و زنان ویتنام

14- Nguyen thi ut tich

15- Nguyen thi hong Gon

16- Tran thi tam

17- Ta thi kieu

18- Nguyan thi phuc

19- Y Buong

جنوبی به بار آورده است.

اما در يك سال گذشته امپریالیست‌های آمریکائی و دار و دسته سایگون پیوسته موافقت‌نامه را نقض کرده و آمریکا و دست‌نشانده‌گانش جنایات تازه‌ای به جنایات گذشته خود افزوده‌اند.

آمریکا با استفاده از دست‌های به‌خون آلوده‌ی دار و دسته بورو-کراتیک - نظامی‌سایگون، با امید واهی به‌از بین بردن دستاوردهای انقلاب، تداوم‌جدائی دوبخش کشور و تحمیل استعمارنو، به‌درگیری نظامی خود در ویتنام جنوبی ادامه می‌دهد.

دار و دسته خائن‌نگوین و ان‌تیو که آلت دست امریکا قرار گرفته و حمایت می‌شود، دست‌اندازی به زمین‌ها را برعلیه مناطق آزاد شده شدت می‌بخشد و دیوانه‌وار حملات «پاک‌سازی» را به‌پیش می‌برد و در مناطق تحت کنترل خود ترور، کشتار و غارت را آشکاراً برقرار می‌سازد و تمامی خواست‌های مشروع بخش‌های مختلف مردم را زیر پا می‌نهد.

مردم ویتنام جنوبی نمی‌توانند درمقابل رفتار بیرحمانه و خود-کامه آمریکا و عوام‌لش بی‌تفاوت باقی بمانند. در مناطق تحت اشغال سایگون زنان ویتنام جنوبی با پیوستن به حرکت سیل‌وار مردم صفوف خود را فشرده می‌سازند و با سیاست‌ها و اقدامات سرکوبگرانه، استثمار و تضییقات مالی سایگون مخالفت می‌کنند؛ آنان خواستار آزادی‌های دموکراتیک و حق بازگشت و تأمین معاش در زمین‌های خود هستند؛ آنان اقدامات «پاک‌سازی» را خنثی می‌کنند و برای محو فشارها و تهدیدها و به‌دست آوردن حق تعیین سرنوشت، برای باز-گرداندن وابستگان، خانواده و قصبه‌شان؛ برای آنکه نگذارند شوهران و پسرانشان به‌ورطه اعمال جنایتکارانه افکنده‌شوند و برای آنکه نگذارند

که زادگاهشان نابود گردد، دست به طغیان می زنند. زنان شهرها و قصبات که دیگر نمی توانند در مقابل فقر ساکت بمانند برای بهبود شرایط زندگی، برای برنج، بیمه های بیکاری، تخفیف مالیات ها و حل مسئله بیکاری، بر علیه ترور و غارت به سایر بخش های مردم می پیوندند و عزم راسخ دارند که نگذارند رژیم آمریکایی وان تیو جنگ را به ضرر آنان تمام کند. در مناطق آزاد شده، زنان که نیروی قابل توجهی را تشکیل می دهند، نقش خود را به عنوان گردانندگان جامعه عملی می سازند؛ با جدیت در تولید و جنگ شرکت می کنند، از قوای انقلاب دفاع کرده به آن قدرت می بخشند و با هدف تحکیم مناطق آزاد شده و تبدیل آنها به نقطه اتکاء انقلاب ویتنام جنوبی، زندگی خوب و پربرکتی را می سازند.

ما اطمینان داریم که زنان ویتنام جنوبی تحت رهبری جبهه آزادی بخش - ملی<sup>۲۰</sup> و دولت موقت انقلابی<sup>۲۱</sup> سنت شکوهمند انقلابی خود را گسترش داده و همواره با برافراشته نگاه داشتن پرچم استقلال و آزادی، شایسته نام «گروه ضربت» خواهند بود. زنان ویتنام جنوبی تمام روح و جسم خود را مصروف اتحاد با مردم ویتنام جنوبی و مبارزین خواهند کرد تا بتوانند برنامه های شوم امپریالیست های آمریکایی و عمالشان را خنثی و تقاضا کنند که «موافقتنامه پاریس» اجرا شود. و بهر قیمت به صلح، دموکراسی و بهبود زندگی مردم دست یابند. انقلاب ویتنام جنوبی را به پیروزی کامل برسانند و از این طریق به رنج و فلاکت پایان بخشیده و تمامی ننگ و نفرت را از میان بردارند.

هدف ارزشمند تمامی مردم ما، ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم

20- NFL National Front For Liberation

21- PRG (Provisional Revolutionary Government)

در شمال، مبارزه برای تکمیل انقلاب دموکراتیک در جنوب و حرکت به جانب یکپارچه شدن صلح آمیز کشور است. تحقق سوسیالیسم، استقلال ملی و دموکراسی نشان دهنده قدرت غلبه ناپذیر مردم ما در مبارزه ضد آمریکائی اخیر برای رهائی ملی و همچنین سرچشمه نیروی شکست ناپذیری برای تضمین پیشرفت ما به جهت تکمیل پیروزی انقلاب مردم در سراسر کشور می باشد.

ویتنام یکی است! ملت ویتنام یکی است! شمال و جنوب زیر یک سقف هستند! تمام کشور یکدل هستند! زنان ویتنام شمالی و جنوبی در مبارزه شان متحد هستند و به یاری زنان لائوس، کامبوج و زنان سراسر جهان، مطمئناً در سرتاسر کشور رهنمود هوشی مین را اجرا خواهند کرد، که عبارتست از «ساختن ویتنامی صلح آمیز، یکپارچه، مستقل، دموکراتیک و کامیاب و در نتیجه شرکت ارزشمند در انقلاب جهانی».

هنگامی که به سیر انقلابی که از زمان تأسیس حزب ما، بخصوص از زمان انقلاب اوت به بعد طی شده بنگریم، از پیشرفت و پختگی چشم گیر جنبش زنان بی اندازه به خود می بالیم.

در حال حاضر انقلاب ما به مرحله جدیدی پا می نهد. کمیته مرکزی حزب ما اطمینان دارد که «اتحادیه زنان ویتنام» و همه زنان، با قدرت وافر و سنت انقلابی شکوهمند خود برای قوی تر کردن شمال از هر نظر و انجام وظایفشان در قبال ویتنام جنوبی خواهند کوشید.



خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه - کوچه پورجوادی - پلاک ۱۳

قیمت ۳۰ ریال

دیجیتال کننده: نینا پویان